بازشناسی مهریه در قاموس عرف و شرع

پدید آورنده : سید حسین اسحاقی ، صفحه 13

مفهوم شناسی مهریه

مهر که به آن «صِداق» هم می گویند، عطیه و پیشکشی است که مرد در قبال ازدواج به زن خود می دهد و پرداخت آن باید توأم با رضایت و صداقت و صفا باشد. چنان که قرآن کریم نیز مردان را امر می فرماید که صداق زنان خود را با رغبت و رضایت بپردازند (نساء/4). از آن جایی که هدیه مرد نشانه راستی علاقه و رضایت اوست به آن صداق هم می گویند و نکته قابل توجه دیگر در تعریف مهر این است که برخی آن را هدیه خداوند به زنان نیز می دانند.27

فلسفه مهریه در اسلام

هر چند فلسفه اصلی مهریه ابراز محبت و افزایش علقه همسری است اما اینک در جامعه به ابزار فخرفروشی و خود برتربینی تبدیل شده است. درباره فلسفه و جایگاه مهریه در اسلام باید گفت که وجود مهریه موجب می شود که مرد، زن را دارای ارزش بیشتری دانسته، شخصیت حقوقی او را در اسلام بداند؛ هم چنین زن احساس می کند که به طور رایگان و بدون هیچ قید و شرطی در اختیار مرد قرار نگرفته بلکه تمکین او در برابر مرد، بر پایه قوانین محکم و احکام خاصی است که موجب اعاده حقوق اصلی او می گردد. شهید مطهری در این باره می نویسند: «مهر، با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد، زن به الهام فطری دریافته است که عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد».28

همچنین در فلسفه مهر آمده است که چون زن به خاطر جسم ظریف و روح حساسش نمی تواند مانند مرد در فعالیت های اجتماعی سنگین شرکت کند و به همین علت کم تر به کسب و تجارت مشغول است، مهر می تواند پشتوانه اقتصادی مناسبی برای او باشد. در روایتی آمده که ابن سنان برای امام رضا (علیه السلام) نامه نوشت و پرسید سرّ این که مهر را مرد باید به زن بپردازد، چیست؟ امام در جواب فرمودند: چون زن (به خاطر اشتغال به خانه داری و تربیت فرزند) قهراً از کسب و تجارت محروم است و راه درآمدی ندارد.29

فلسفه دیگر مهریه این است که اصل وجودِ آن، باعث استحکام روابط خانوادگی است. استاد مشکینی در این باره می گویند: درباره مهریه زن می توان گفت که فلسفه یا یکی از علل امضای آن در اسلام پس از ثبوت معمول و متداول بودنش در اعصار گذشته، استحکام رابطه عقدی و علقه همسری است، چه آن که اضافه شدن شرایط و مقررات در هر عقد و قراردادی کاشف از اهمیت موضوع و قوت علقه مربوطه است و فلسفه آن که بر عهده مرد است نه بر عهده زن یا هر دو، جریان وضع اجتماعات بشری است که نوعاً زن ها روی اقتضای مزاح و یا اشتغال به خانه داری و تربیت اولاد درآمدی همانند مرد نداشته اند. 30

البته باید توجه داشت که ازدیاد علاقه، جواز افزایش مقدار مهریه نیست، زیرا همان طور که تعیین مهریه ارزشمند است. زیادیِ بیش از حد آن نکوهش شده است، هرچند از مهریه خیلی کم نیز نهی، و توصیه شده است که در حدی نباشد که اعتبار و حیثیت زن را پایین آورد.31

استحباب کم بودن مهریه

در اسلام سفارش شده است که باید مهریه زنان به گونه ای باشد که مرد بتواند با طیب خاطر و رضایت قلبی آن را بپردازد و هیچ گونه فشار مالی یا روحی بر مرد وارد نگردد. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

إنَّ مِن بَرکة المَرأةِ قِلَّةَ مَهرِها وَ مِن شُؤمِها کَثرةِ مَهرِها؛32 از برکت زن، کم بودن مهریه اش و از بدیُمنی او زیادی در مهریه اش است.

در همین موضوع باز هم ایشان می فرمایند که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرموده اند:

أفضَلُ نِساء أُمَّتی أَصبَحَهُنَّ وَجْهاً و أقَلَّهُنَّ مَهْراً؛33 بهترین زنان امت من زیباترین آن ها از نظر ظاهری (صورت) و کم مهرترین آنهایند.

البته اگر دلیل افزایش مهریه را نوعی وثیقه مالی مرد برای زن و وسیله اطمینان فکری او در برابر خطرات احتمالی و مشکلاتی که مرد برایش فراهم می آورد بدانیم، نظریه صائبی نیست. استاد مطهری در این باره می گویند:

از این گونه اشخاص باید پرسید چرا اسلام حق طلاق را به مرد داد تا زن به وثیقه مالی احتیاج پیدا کند؟ به علاوه معنای این سخن این است: علت این که پیامبر(صلی الله علیه وآله) برای زن خود مهر قرار می داد این بود که می خواست به آن ها در مقابل خودش وثیقه مالی بدهد و علت این که در ازدواج علی (علیه السلام) و فاطمه (علیهاالسلام) مهر قرار داد این بود که می خواست برای فاطمه (علیهاالسلام) در مقابل علی (علیه السلام) یک وثیقه مالی و وسیله اطمینان فکری بگیرد. اگر این چنین است پس چرا پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) زنان را توصیه کرد که متقابلاً مهر خود را به شوهر ببخشند و برای این بخشش ها پاداش ها ذکر کرد؟ به علاوه چرا توصیه کرد که حتی الامکان مهر زنان زیاد نباشد؟ آیا جز این است که از نظر پیغمبر اسلام (صلی الله علیه وآله) هدیه زناشویی مرد به نام مهر و بخشش مهر یا معادل آن از طرف زن به مرد موجب استحکام الفت و علقه زناشویی می شود؟ علیهذا به هیچ وجه نمی توان گفت که نظر اسلام از مهر این بوده که وثیقه ای در اختیار زن قرار دهد.34

نکوهش مهریه زیاد

همان طور که کم بودن مهریه، در احادیث، نشانه برکت و خوش یمنی قدوم زن به خانه مرد شناخته شده است و باعث بالا رفتن فضیلت و ارزش معنوی او می گردد، سنگینی مهریه هم مورد نکوهش قرار گرفته و در روایات از آن به عنوان بدیمنی و شومی زن نام برده شده است. رسول گرامی اسلامی می فرماید:

شؤم المَرئَةِ غَلا مَهرِها؛35 زن نامبارک، زنی است که مهرش سنگین باشد.

از سوی دیگر، معصومین(علیهم السلام) افزایش مهریه را نه تنها باعث همدلی و مودت نمی شمارند بلکه آن را وسیله دشمنی می دانند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: لا تغالوا بمهور النِّساء فتکون عَداوة؛36 مهریه های زنان را گران و سنگین نکنید که موجب عداوت و دشمنی می شود.

متأسفانه با این همه سفارش، این روزها شاهد افزایش بی رویه مهریه ها هستیم. بعضی از افراد، اموری مانند مهریه های سنگین، جهیزیه های بالا و تجملات زندگی را مایه تفاخر و خودبرتربینی قرار داده اند و تصور می کنند این امر باعث تداوم و استحکام زندگی می شود. در حالی که تعالیم اسلامی، تقوا و پاکدامنی را عامل برتری و بزرگی می شمارد.

مهریه های سنگین نه تنها باعث تداوم زندگی نشده است بلکه شاهد افزایش آمار طلاق هستیم و از سوی دیگر مهریه های بالا باعث بالا رفتن سن ازدواج شده است.

رهبر فرزانه انقلاب مهریه های سنگین برای ممانعت از امر احتمالی طلاق و همچنین جهیزیه های سنگین را تفکری غلط و فرهنگی جاهلی و خلاف سنت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار دانسته اند و فرموده اند: آن چه که پیوند میان زوج ها را استحکام می بخشد، اخلاق و رعایت موازین اسلامی است.37

نفی مهریه به عنوان امری تشریفاتی و یا پایگاهی اجتماعی

امروزه به هنگام مشخص کردن اندازه مهریه با جمله «مهریه را که داده و که گرفته!» تلاش می کنند آن را امری تشریفاتی نشان دهند. در حالی که پرداخت مهریه زن وظیفه مرد است و زن نیز حق دارد آن را طلب کند. حتی قانون مدنی ما هم این اجازه را به زن داده است که قبل از دریافت مهریه در برابر مرد تمکین نکند.38

اما این که زنان جامعه ما از دریافت مهریه خودداری می کنند به علت علاقه ای است که نسبت به شوهر و پیوند خود دارند و آن را عاملی برای تحکیم بیشتر علقه می دانند که البته این نگرش مثبت زن هیچ گاه برای مردان دلیل نمی شود که خود را بدهکار ندانند. امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرمایند: شخصی که با زنی ازدواج کند و قصدش این باشد که مهر او را ندهد، در برابر خداوند زناکار است.39

هر چند هنگام طلاق و جدایی، پرداخت مهریه به زن موجب آسایش نسبی او در اداره امور زندگی می گردد ولی نکته حائز اهمیت این است که اصل مهریه برای قبل از طلاق است و فلسفه واقعی آن این است که همان زمانی که زن در کنار همسرش زندگی می کند مهریه به نشانه صداقت و درستی علاقه مرد به او تقدیم گردد.

نکته دیگر این که مهریه زنان بیانگر جایگاه اجتماعی زنان نیست تا بگوییم دختران تحصیل کرده و ثروتمند باید مهریه بیشتری دریافت کنند. اساساً اگر دختران متمکن و تحصیل کرده حاضر شوند که با مهریه کم تر به خانه مرد قدم بگذارند همین امر موجب بالا رفتن وجهه اجتماعی و احترام آن ها می گردد و نشانگر بالا بودن میزان فهم و درک آنان است. در غیر این صورت می توان گفت که زن می خواهد مدرک تحصیلی خود را با مبلغ یا ملکی به نام مهریه به شوهرش بفروشد و یا در برابر او و مردم فخرفروشی کند و این امر با اصل و هدف ازدواج که بنیان گذاری بنایی مستحکم و اسلامی برای تنها هدف انسان، یعنی سعادت و خوشبختی و قرب حق است مغایرت دارد؛ سعادت و قربی که باید در پناه یک زندگی آرام، و با سکونت و آرامش او در کنار یک زن فهمیده و خداشناس تحقق یابد نه در زندگی ای که معیار ارزش آن، مادیات و امور کاذب و غیر واقعی باشد.

مهریه، ضمانتی برای شناخت داماد!

عده ای بر این باورند که به دلیل افزایش جمعیت و کاهش رفت و آمدهای اجتماعی امکان کمی برای شناخت خواستگار دختر وجود دارد و لذا می توان با بالا بردن مقدار مهریه، به دختر در مقابل زندگی آینده امنیت بیشتری داد و از طلاق احتمالی هم جلوگیری کرد.

در پاسخ باید گفت اولاً قبول ازدواج دختر با کسی که هنوز شناخت خوبی از او وجود ندارد امری نامعقول و ناپسند است. چگونه انسان حاضر می شود به پشتوانه مهریه زیاد دختر خود را به هر خواستگاری که از راه برسد بدهد؟ از کجا معلوم است که دخترش را به فرد شراب خوار، فاسق، بی دین و... نداده باشد؟ لذا بر خانواده ها لازم است تا شناخت کاملی از خواستگار دختر خود پیدا نکرده اند هرگز به پشتوانه مهریه زیاد با ازدواج دخترشان موافقت نکنند.

ثانیاً اگر واقعاً در زندگی مشترک تفاهم نباشد و به هیچ وجه امکان ادامه آن وجود نداشته باشد هیچ امری حتی مهریه سنگین موجب جلوگیری از طلاق نمی گردد و اگر هم بنا به فرض، مهریه زیاد از طلاق جلوگیری کند دیگر زندگی آن دو از هیچ گونه آرامشی برخوردار نخواهد بود. پس می توان گفت که زیادی مهریه هیچ وقت نمی تواند استحکام و بقای خانواده را تضمین نماید بلکه موجب بدبینی مرد به خانواده همسر خود نیز می گردد و فکر این نکته که آن ها می خواستند به دلیل بی اعتمادی به او با مهریه زیاد او را محدود نمایند برایش رنج آور است و این بدبینی را نوعی اهانت به خود نیز تلقی می نماید.

پی نوشت ها:

1. تفسیر صافی، ملامحسن فیض کاشانی، ذیل آیه چهارم سوره نساء.

2. استاد مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص 233.

3. بحارالانوار، ح 103، ص 349.

4. ازدواج در اسلام، آیت الله مشکینی، ص 75، تذکر پایانی، فصل 19.

5 . فلسفه مهر در اسلام، محمد رضا صادقی، ص 60 تا 65 .

6 . من لا یحضره الفقیه، ح 3، باب 109، ص 245.

7. همان، باب 107، ص 243.

8 . استاد مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص 448-449.

9. وسائل الشیعه، ج 15، ص 20.

10. همان، ص 11.

11. روزنامه جمهوری اسلامی، اول آذر 73، ص 2.

12. ر.ک: ماده 1085 قانون مدنی.

13. وسائل الشیعه، ج 15، ص 22 و 23.

سوتیترها:

هر چند فلسفه اصلی مهریه ابراز محبت و افزایش علقه همسری است اما اینک در جامعه به ابزار فخرفروشی و خود برتربینی تبدیل شده است

چون زن به خاطر جسم ظریف و روح حساسش نمی تواند مانند مرد در فعالیت های اجتماعی سنگین شرکت کند و به همین علت کم تر به کسب و تجارت مشغول است، مهر می تواند پشتوانه اقتصادی مناسبی برای او باشد

ازدیاد علاقه، جواز افزایش مقدار مهریه نیست، زیرا همان طور که تعیین مهریه ارزشمند است. زیادیِ بیش از حد آن نکوهش شده است، هرچند از مهریه خیلی کم نیز نهی، و توصیه شده است که در حدی نباشد که اعتبار و حیثیت زن را پایین آورد

مهریه های سنگین نه تنها باعث تداوم زندگی نشده است بلکه شاهد افزایش آمار طلاق هستیم و از سوی دیگر مهریه های بالا باعث بالا رفتن سن ازدواج شده است

رهبر فرزانه انقلاب مهریه های سنگین برای ممانعت از امر احتمالی طلاق و همچنین جهیزیه های سنگین را تفکری غلط و فرهنگی جاهلی و خلاف سنت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار دانسته اند و فرموده اند: آن چه که پیوند میان زوج ها را استحکام می بخشد، اخلاق و رعایت موازین اسلامی است